



اندرشکده مجلس خبرگان

مجموعه سالنامه تبیین - اسفند ماه ۱۳۹۶



قطر  
در سال  
اوقاف  
روندها و رویدادها



الحمد لله

اندیشکده راهبردی تبیین



مجموعه سالنامه تبیین



قطر در سال ۱۳۹۶، روندها و رویدادها



وبگاه اندیشکده : [www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)



نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱



کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمبر : ۲۶۱۵۳۳۳۹



## فهرست

۶	مقدمه
۸	۱- بحران سیاسی قطع روابط با قطر
۱۲	۲- قطر و شورای همکاری خلیج فارس؛ تعلیق یا اخراج و پیامدهای سلبی
۱۵	۳- تسری اختلافات به موضوع حج و متهم کردن دو طرف به برخورد سیاسی با این موضوع
۱۸	۴- دورنمای قطر در سال ۹۷
۱۹	منابع

## مقدمه

قطر کشوری است که در جنوب غربی آسیا در شرق شبه‌جزیره عربستان و در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. قطر مرز مشترک زمینی با عربستان و مرز آبی با کشورهای ایران، کویت، عراق، بحرین، عربستان و امارات متحده عربی دارد. قطر به صورت اماراتی مطلقه و ارثی از میانه سده ۱۹ میلادی توسط خاندان «آل ثانی» اداره می‌شود. این کشور تا سال ۱۹۷۱ تحت‌الحمایه بریتانیا بود که بعد از رفتن بریتانیا از منطقه‌ی غرب آسیا و شرق کانال «سوئز» این کشور به استقلال رسید. کشور مذکور دارای دو میلیون ششصد هزار نفر جمعیت است که ۳۰۰ هزار نفر آن بومی و مابقی تبعه‌ی کشورهای دیگر هستند که در قطر مشغول به کار می‌باشند. این کشور به واسطه ذخایر سرشار گاز طبیعی و فروش آن، بالاترین درآمد سرانه را در جهان داشته و به گزارش مجله «فوربز»؛ یکی از مشهورترین مجله‌های اقتصادی جهان، ثروتمندترین کشور دنیا محسوب می‌شود.

نظام سیاسی قطر دیکتاتوری بوده که در خاندان آل ثانی و نزدیکان او متمرکز شده است. رفتار قطر در حوزه سیاست خارجی دیپلماسی «درهای باز» است. همین موضوع باعث شده جریان‌ها و کشورهای بعضاً متخاصم و با منافع متضاد در قطر دفتر نمایندگی یا حضور گسترده داشته باشند. به طور مثال طالبان در قطر دفتر نمایندگی دارد. از طرفی بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در خلیج فارس نیز در خاک این کشور واقع شده است.



اما آنچه باعث شد اندیشکده راهبردی تبیین در سالنامه خود به بررسی رویدادها و روندهای قطر در سال ۹۶ بپردازد بحران قطع روابط سیاسی این کشور با دول اربعه (عربستان، مصر، بحرین و امارات) بود که در تاریخ ۱۵ خرداد ۹۶ اتفاق افتاد. متعاقب این وضعیت، تحولات دیگری نیز به وقوع پیوست که معادلات و مناسبات بحران را پیچیده‌تر کرد به طوری که با گذشت بیش از ۹ ماه هنوز چشم‌انداز روشنی برای حل بحران وجود نداشته و دو طرف روزانه حملات شدید سیاسی-رسانه‌ای علیه یکدیگر طراحی کرده و اجرا می‌کنند. با این مقدمه نوشتار پیش رو در نظر دارد ضمن شرح مختصر بحران، تحولات بعدی ناشی شده از آن را بررسی کرده و در پایان دورنمایی از بحران قطر ارائه دهد.

## ۱- بحران سیاسی قطع روابط با قطر

در خرداد ماه سال جاری خبرگزاری قطر سخنانی را از قول «تمیم بن حمد آل ثانی» امیر این کشور در دفاع از ایران و حزب‌الله منتشر کرد که بلافاصله در صدر رسانه‌های جهان و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. تمیم بن حمد آل ثانی در این سخنان حزب‌الله را حزبی مقاوم و ایران را دولتی اسلامی توصیف کرد که نمی‌توان وزن و جایگاه آن در منطقه را نادیده گرفت.

امیر قطر ضمن حمله‌ی مستقیم به مصر، بحرین و امارات، اشاره‌ای ضمنی به عربستان کرده و رفتار خاندان آل سعود در حمایت از نسخه‌ی خشونت‌محور اسلام و نمایندگی و هابیت را خطر حقیقی و عامل اصلی پرورش دهنده‌ی تروریسم دانست.

همین اظهار نظر باعث شد تا دول اربعه (مصر، امارات، عربستان و به تبع آن بحرین) روابط دیپلماتیک خود با قطر را قطع کرده و سطح مراودات و معاملات اقتصادی، تجاری و سیاسی خود با دوحه را به حداقل برسانند. این خصومت در این سطح متوقف نشده و ۴ کشور مزبور ضمن محاصره‌ی زمینی، هوایی و دریایی قطر در رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های خود بیشترین انتقاد و اتهام را علیه دوحه مطرح کرده و این دولت را به تجهیز و تسلیح جریان‌های تروریستی منطقه متهم کردند. همزمان با قطع روابط دیپلماتیک، هجمه شدید اقتصادی و رسانه‌ای علیه دولت قطر از سوی کشورهای مطیع و تابع عربستان تدارک دیده شد. به طوری که کشورهای تابع عربستان ضمن محاصره اقتصادی قطر و متوقف کردن معاملات خود با ریال این کشور، هر کدام به نوبه‌ی خود موضع مشابهی علیه قطر اتخاذ کردند. به عنوان مثال دولت نیمه مستقر در لیبی و همسو و هم جهت با محور عربستان با حمله به قطر، «این کشور را متهم به تجاوز به کرامت مردم لیبی کرد» یا بحرین ضمن تکرار ادعاهای سعودی برای قطع روابط «از حمایت دوحه از برنامه‌های تخریبی ایران انتقاد کرد» امارات نیز ضمن حمله به قطر اشاره کرد که «دوحه منطقه را در وضعیت





خطرناکی قرار داده است» مواضع مشابه این مواضع از سوی سایر کشورهای مطیع عربستان از جمله مصر، دولت مستعفی یمن و مالدیو نیز اتخاذ شد به گونه‌ای که پازل هجمه‌ی رسانه‌ای و سیاسی علیه قطر کامل شده و این کشور به انزوا و انفعال کشانده شد.

حجم رفتار تهاجمی علیه قطر در این سطح باقی نمانده و دولت‌های محاصره کننده اقدامات دیگری نیز برای مؤاخذه، محاکمه و تنبیه قطر انجام دادند که از جمله‌ی آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

-قطع کلیه روابط دیپلماتیک و بستن سفارت‌های قطر در کشورهای خود

-بستن مرزهای آبی، هوایی و خاکی ۴ کشور با قطر

-بیرون کردن کلیه اتباع قطری از کشورهای خود

-عدم اجازه ورود اتباع قطری به کشورهایشان

-منع پروازهای هوایی به کشور قطر

-عدم اجازه پرواز هواپیماهای قطری از کشورهایشان

-اخراج قطر از ائتلاف نظامی به رهبری عربستان

-لغو مجوز فعالیت شبکه خبری الجزیره و بستن دفتر آن در عربستان

-تعیین ضرب‌الاجل برای خروج اتباع خود از کشور قطر و...

دولت‌های محاصره کننده بعد از این کنشگری‌های هماهنگ و با این پیشفرض که راهبرد تنبهی آن‌ها منتج به نتیجه شده است ۱۳ شرط رو پیش روی قطر قرار دادند تا به محاصره این کشور پایان داده و روابط خود با آن را عادی‌سازی کنند. قطر ضمن مغرضانه و ناعادلانه خواندن شروط مطرح شده از پذیرفتن آن‌ها سر باز زد. شروط ۱۳ گانه مطروحه‌ی دول اربعه از قرار زیر بودند که مورد موافقت دوحه قرار نگرفتند.

کاهش روابط دیپلماتیک با ایران، اخراج کلیه افراد مرتبط با سپاه پاسداران که در قطر حضور دارند، روابط تجاری با ایران در چارچوب تحریم‌های آمریکا، تعطیلی کامل شبکه الجزیره، بسته شدن پایگاه نظامی ترکیه در قطر، قطع حمایت از حزب‌الله لبنان، قطع حمایت از اخوان المسلمین، قطع حمایت از القاعده، قطع حمایت از داعش، عدم اعطای تابعیت به شهروندان ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر که در تنش با دولت‌های این کشورها به سر می‌برند، انتشار لیستی از گروه‌های اپوزسیون حمایت شده در ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر، تحویل اشخاصی که از سوی این ۴ کشور تحت تعقیب بوده و متهم به انجام اقدامات تروریستی هستند، پرداخت مبالغی معین به ۴ کشور محاصره کننده و... (۱)

بررسی شروط ۱۳ گانه برجستگی نقش و جایگاه ایران را مشخص می‌کند. به عبارتی به نظر می‌رسد عربستان و رژیم‌های همسو و هم‌جهت این بار برای تحریک ایران برای کنش متقابل، قطر را ابزار و سلاح قرار داده بودند تا ایران را هدف و نشانه‌گیری کنند. اما حکمت و متانت دستگاه سیاست خارجی ایران نقشه پیچیده و خطرناک عربستان را نقش بر آب کرد. ایران در سیاستی دیگر و به نوعی کنشی رو به جلو مرز هوایی خود به روی قطر را باز کرده و اعلام کرد حاضر است مایحتاج قطر در دوران محاصره را تأمین کند. از طرفی ترکیه نیز در حمایت از قطر اعلام کرد اگر عربستان به دوحه حمله کند تا توطئه‌ای (کودتا) بر علیه خاندان آل ثانی



تدارک ببیند آنکارا ریاض را موشک باران خواهد کرد. ورود بازیگران مختلف به بحران ضمن پیچیده‌تر کردن معادلات و مناسبات آن جسارت و شهامت دوحه برای واکنش متقابل در برابر محاصره کنندگان را افزایش داد.

## ۲- قطر و شورای همکاری خلیج فارس؛ تعلیق یا اخراج و پیامدهای سلبی

سطح بحران میان طرفین به موارد اشاره شده در بالا محدود نشده و به شورای همکاری خلیج فارس نیز سرایت کرد. «نبرد دیپلماتیک» دول اربعه و قطر، آینده‌ی شورای همکاری خلیج فارس را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. به طوری که ۴ دولت متخاصم قطر، اخراج یا تعلیق عضویت دوحه در شورای همکاری خلیج فارس را مطرح کرده و دوحه نیز در عکس‌العملی متقابل خروج خودخواسته از شورا به دلیل «از بین رفتن ماهیت، هدف و کارآمدی» آن را رسانه‌ای کرد. در همین راستا معاون نخست‌وزیر قطر درباره تأثیر بحران اخیر در کشورهای عربی بر شورای همکاری خلیج فارس گفت: «ما شورای همکاری را در سال ۱۹۸۱ میلادی تأسیس کردیم و از نظر من اعتبار این شورا به پایان رسیده است.» همچنین قطر تهدید کرده در صورت تداوم این وضعیت از شورای همکاری خلیج فارس خارج خواهد شد.

با این وجود به نظر می‌رسد احتمال اخراج یا خروج خودخواسته‌ی قطر در وضعیت کنونی ناچیز است و این اظهارنظرهای رسانه‌ای بیشتر جنبه‌ی سیاسی دارند. دول اربعه تلاش می‌کنند با طرح اخراج یا تعلیق عضویت قطر، این کشور را مجاب کنند مطابق خواسته‌های آن‌ها عمل کرده و رفتار خارجی خود را منطبق بر خواسته‌ها و منافع آن‌ها تنظیم کند. از طرفی قطر نیز با طرح خروج خودخواسته از شورا به دنبال تهدید ماهیت و موجودیت شورا است تا کشورهای محاصره کننده را وادار کند از اعمال فشار و محاصره و تحمیل خواسته‌ی خود به این کشور دست بردارند.



چرا که در اساسنامه‌ی شورای به هیچ وجه لفظ «اخراج» یا «تعلیق» نیامده. بلکه تنها اشاره به اتخاذ «تصمیمات متناسب» با اختلافات شده است. در ماده ۱۰ منشور شورای همکاری خلیج فارس هیئتی تحت عنوان «هیئت حل منازعات» در نظر گرفته شده که زیر نظر شورای عالی فعالیت می‌کند. هنگامی که اختلافی در تفسیر یا اجرای اساسنامه یا اختلافی میان اعضا شکل بگیرد و این اختلاف در شورای وزیران و شورای عالی قابل حل نباشد، شورای عالی اختلاف مذکور را به «هیئت حل منازعات» ارجاع می‌دهد. هیئت مزبور گزارش‌ها و مستندات و ریشه‌های اختلاف را بررسی کرده و توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را در اختیار شورای عالی قرار می‌دهد. شورای عالی نیز بر اساس توصیه‌ها و گزارشات هیئت، تصمیم مناسبی اتخاذ می‌کند.

بنابراین در اساسنامه‌ی شورای چون اصل و مبنا بر همکاری، هماهنگی و همگرایی در تمامی زمینه‌ها و جنبه‌ها گذاشته شده، ماده‌ای به نحوه خروج از شورای همکاری خلیج فارس اختصاص نیافته و تهدید قطر برای خروج از شورای اقدامی است که در اساسنامه‌ی شورا، شرایط و مختصات آن تعریف نشده و به نوعی نشان از ضعف حقوقی و نظری شورای همکاری خلیج فارس دارد که ضمن عدم اشاره به اخراج، تعلیق یا خروج خودخواسته اعضا، شرایط و مقتضیات آن را مشخص نکرده است.

با توجه به مسائل گفته شده و فقدان راهکار و راهبرد در مواقع اختلاف شدید همچون اختلاف کنونی که از زمان تأسیس شورای بی‌سابقه بوده به نظر می‌رسد دول اربعه (سه عضو شورای همکاری خلیج فارس و مصر به عنوان عضو اتحادیه عرب) سندی حقوقی و معتبر برای اخراج یا تعلیق قطر در منشور ندارند و با توجه به آنچه در مواد ۲۲ گانه‌ی منشور آمده خروج خودخواسته قطر نیز مشخص نشده است. لذا مباحثی چون «اخراج»، «تعلیق» یا «خروج خودخواسته» باید در منشور شورای همکاری خلیج فارس معنادهی شده و بار حقوقی پیدا کنند. (۲)



اما آنچه در این میان مهم است تأثیر سلبی بحران بر شورای همکاری خلیج فارس است تأثیری که زیان‌های سیاسی، اقتصادی زیادی را بر پیکره‌ی شورای همکاری خلیج فارس وارد ساخته است. به طوری که شاید دیگر شورای مذکور همانند گذشته نتواند در مسائل منطقه‌ای، کنشگری فعالی داشته باشد و از یک سازمانی نسبتاً هماهنگ، فعال و تأثیرگذار به سازمانی تشریفاتی و منفعل همچون اتحادیه‌ی عرب تبدیل شود.



### ۳- تسری اختلافات به موضوع حج و متهم کردن دو طرف به برخورد سیاسی با این موضوع

حجم تصادم و تعارض دیپلماتیک و «اصل تسری» در اختلافات و موضوعات سیاسی موجب شد مسأله‌ی حج نیز جایگاه خود را در تنش میان دول اربعه، به ویژه ریاض و دوحه باز کند. به گونه‌ای که قطر در بیانیه‌ای اعلام کرد که ریاض از همکاری برای تأمین امنیت حجاج قطری طفره رفته و درصدد دخالت دادن مسائل سیاسی در ادای فریضه‌ی حج به عنوان رکنی از ارکان دین مبین اسلام است که این اقدام ریاض و برخورد سیاسی با موضوع حج موجب محرومیت جمع کثیری از مسلمانان از ادای این فریضه می‌شود.

در واکنش به اتهامات قطر علیه عربستان، دولت ریاض ضمن نفی و رد اظهارات قطری‌ها و اظهار بر تدارک تمامی امکانات رفاهی و امنیتی عنوان داشت که دوحه درصدد سوء استفاده سیاسی از حج و بین‌المللی کردن اداره‌ی آن و دامن زدن به این موضوع است که ایران نیز سال گذشته مسأله‌ی مذکور را مطرح کرده بود. مقامات سعودی با این استدلال عنوان کردند که به نظر می‌رسد هماهنگی خاصی بین ایران و قطر در بین‌المللی کردن یا مدیریت مشترک حج وجود داشته باشد که مدیریت و هدایت شده از جانب ایران است.

در واکنش به خواست قطری‌ها مبنی بر رعایت حقوق زائران خانه خدا، «عادل الجبیر» وزیر خارجه‌ی عربستان با تفسیر درخواست قطر به «بین‌المللی کردن» مشاعر و مناسک مقدس اسلامی، آن را رفتار خصمانه و اعلان جنگ قطر علیه پادشاهی سعودی عنوان کرد.

برخورد سیاسی عربستان با مسأله‌ی اسلامی حج و اختلافات فی‌مابین در دو سطح اجرائی و سیاسی تداوم یافت. در رویکرد اجرائی کار به جایی رسید که خطوط هوایی عربستان اعلام

کرد؛ نتوانسته هواپیماهایی را برای انتقال حجاج قطری اعزام کند. چراکه قطر مجوز این سفرها را کسب نکرده بوده است. در واکنش به این اقدام ریاض، وزارت خارجه‌ی قطر اعلام نمود که کوتاهی در انتقال حجاج قطری از طریق خطوط هوایی عربستان اقدامی بی‌سابقه و غیرمنطقی بوده که عدم تمایل ریاض برای همکاری با وزارت اوقاف و حج دوحه و سوء استفاده سیاسی در رابطه با حج را به منصفی ظهور می‌رساند.

تنش سیاسی سرایت کرده به موضوع حج در رسانه‌های دوحه و دول اربعه نیز با شدت و حدت بیشتری پیگیری شد. به طوری که رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مورد حمایت دولت‌های مذکور یکدیگر را به سوءاستفاده سیاسی از حج متهم کرده و مقامات دول اربعه و به تبع آن مقامات دوحه علیه یکدیگر موضع‌گیری نموده و اتهاماتی را نسبت به هم مطرح کردند.

دوحه در رسانه‌های خود به ویژه الجزیره به اختلافات بین خود و دول اربعه پرداخته و ناکارآمدی و بی‌کفایتی عربستان در مدیریت حج و تلاش این کشور برای استفاده ابزاری و سیاسی از حج را مورد بررسی قرار داد. به طوری که این مسأله به شبکه‌های اجتماعی نیز سرایت کرده و موضوع حج و نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری بر آن به مسأله‌ی اول کاربران شبکه‌های اجتماعی کشورهای درگیر تبدیل شد.

به عبارتی قطر توانست با استفاده از دیپلماسی عمومی و از طریق به کارگیری و بسیج رسانه‌های جمعی، سوء استفاده سیاسی آل سعود در رابطه با موضوع زیارت خانه خدا را به موضوعی چالش‌زا و معضل‌ساز برای آل سعود تبدیل کند که عربستان را ناگزیر در وضعیت تدافعی قرار دهد. همین اقدام قطر توانست تردید ایجاد شده در توانایی عربستان به منظور مدیریت مراسم عبادی و سیاسی حج را تشدید کرده و افکار عمومی را نسبت به این موضوع مسأله‌دار کند.





در عرصه بین‌المللی نیز کمیته ملی حقوق بشر قطر بعد از اتفاقات رخ داده، اعلام کرد که شکایت خود را به سازمان ملل، علیه عربستان سعودی به اتهام سوءاستفاده سیاسی از حج و ایجاد موانع در راه شهروندان و ساکنان قطری که مایل به انجام مراسم حج و عمره بودند، ارائه داده است. در شکایت کمیته‌ی مزبور آمده که دوحه نگرانی شدید خود در رابطه با سوءاستفاده سیاسی از حج و شعائر دینی و استفاده از آن‌ها برای نیل به اهداف سیاسی را اعلام کرده و آن را نقض صریح تمامی میثاق‌نامه‌های بین‌المللی که آزادی عمل در ادای مناسک و مراسمات مذهبی را به رسمیت می‌شناسد، قلمداد می‌کند. (۳)

قطر در راستای مواجهه با سیاسی کاری عربستان، شکوائیه‌ی دیگری تدارک دیده و آن را به سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) تحویل داد. مضمون این شکوائیه از نهاد مزبور درخواست می‌کند که مراحل «بین‌المللی کردن اداره‌ی حج» را هر چه سریع‌تر و وسیع‌تر در دستور کار قرار داده و آن را از مجاری سازمان‌های بین‌المللی مربوطه پیگیری کند.

اختلافات مذکور در حوزه‌های مختلف همچنان نیز ادامه دارد. به گونه‌ای که مقامات و رسانه‌های وابسته به دو طرف روزانه علیه یکدیگر فعالیت می‌کنند. به طور مثال عربستان قطر را به همکاری امنیتی پنهان با رژیم صهیونیستی متهم کرده و در این رابطه اسنادی را منتشر نموده است. در مقابل شبکه الجزیره وابسته به قطر نیز طی مستندی دو قسمتی از نقش امارات، بحرین، مصر و عربستان در کودتای ۱۹۹۶ قطر پرده برداشته است.

## ۴- دورنمای قطر در سال ۹۷

در ماه مارس و آوریل جاری طرف‌های اصلی درگیر در بحران (محمد بن سلمان، محمد بن زاید و تمیم بن حمد آل ثانی) به آمریکا سفر کرده و در کاخ سفید با «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا دیدار خواهند کرد. کارشناسان بر این نظر هستند که ترامپ تمام تلاش خود را معطوف کرده تا با پایان دادن به بحران قطر در حوزه سیاست خارجی دستاوردی را به نام خود ثبت کند. از طرفی تداوم بحران روز به روز بر نزدیکی و بهبود روابط دوحه-تهران افزوده است. موضوعی که به هیچ وجه خوشایند آمریکا نیست. لذا به نظر می‌رسد آمریکا در دیدار آتی، مقامات عربستان و امارات را متقاعد و مجاب کند تا سطح مطالبات خود از قطر برای پایان دادن به بحران را تعدیل کنند. به زعم نگارنده با توجه به حمایت‌هایی که قطر از جانب ترکیه و ایران می‌شود تا زمانی که دول محاصره کننده در مطالبات خود تعدیل لحاظ نکنند نمی‌توان برای بحران قطر پایانی متصور شد. بنابراین همانطور که شروع کننده‌ی بحران دولت عربستان و رژیم‌های مطیع آن بودند پایان دهنده‌ی بحران نیز عربستان و این رژیم‌ها خواهند بود. این امر نیز با تعدیل مطالبات دول محاصره کننده حاصل خواهد شد. نگاهی به کنش سیاست خارجی بن سلمان در طول این مدت کوتاه نشان دهنده این موضوع است که سیاست‌های عجولانه و پیچیده او بحران‌هایی را ایجاد کرده که بیرون آمدن از این بحران‌ها دیگر از دست او خارج شده است. یمن در این مورد مثال خوبی است. لذا مسأله‌ی قطر نیز با توجه به پیچیدگی‌های آن بحرانی نیست که بن سلمان به راحتی بتواند از آن خارج شود مگر اینکه در این زمینه امتیازهای مثبتی به طرف مقابل بدهد. به نظر می‌رسد قطر هم از ادامه بحران چندان خشنود نباشد.



## منابع:

۱- «شروط ۱۳ گانه کشورهای عربی برای قطر/از قطع روابط دیپلماتیک با ایران تا تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه»، بازیابی در پیوند زیر:

<http://www.saat24.news/news/272255/>

۲- محمد گلی، «قطر و شورای همکاری خلیج فارس؛ تعلیق یا اخراج»، بازیابی در پیوند

زیر:

<http://tabyincenter.ir/20324/>

۳- محمد گلی، «مقایسه رفتار ایران و قطر در قبال سوءاستفاده سیاسی عربستان از حج»،

بازیابی در پیوند زیر:

<http://tabyincenter.ir/20778/>





همانطور که شروع کننده‌ی بحران دولت عربستان و رژیم‌های مطیع آن بودند پایان دهنده‌ی بحران نیز عربستان و این رژیم‌ها خواهند بود. این امر نیز با تعدیل مطالبات دول محاصره کننده حاصل خواهد شد.

انديشگه‌آر بزرگ‌ترين

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱ - ۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: